پژوهش دینی

شمارهٔ 39، پاییز و زمستان 1398
صص 295 (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

کوششی در جهت کشف ساختار سوره یس با رویکرد پدیدارشناسانه

حجت ترشیزی[1]، عباس همامی[2]

(تاریخ دریافت مقاله: 98/5/23 ـ تاریخ پذیرش مقاله: 98/9/27)

چکیده

نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن، در دوران معاصر مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان قرار گرفته است. این جریان نوپا در عرصه تفسیر قرآن، نیازمند تقویت پشتوانه‌های نظری و کشف و تدوین روش‌های عملی کارآمد است. نوشتار حاضر کوشیده تا کارایی رویکرد پدیدارشناسانه را، به عنوان یک رویکرد نوین در تفسیر ساختاری قرآن، در کشف ساختار سوره یس بیازماید. این رویکرد می‌تواند با زدودن پیرایه پیش‌فرض‌های مبتنی بر نگاه غیر ساختارگرایانه انباشته در سنت تفسیری، که مخفیانه در فرایند تفسیر مداخله کرده و مانع نگاه ساختارگرایانه به قرآن می‌شود، در کشف ساختار سوره‌های قرآن کارآمد باشد. این مواجهه پدیدارشناسانه معلوم می‌سازد که موضوع محوری در سوره یس، «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. این سوره دارای پنج بخش است که بخش نخست آن حاکی از ارسال رسول الله(ص) جهت انذار قوم خود به این موضوع است. در بخش‌های بعدی سوره خداوند این مفهوم را در قالب بیان سرگذشت یک قوم در سیر بشریت، با بیان آیات الهی در دنیا در پدیده‌هایی طبیعی و با توصیف احوال قیامت در قیامت تبیین می‌کند. آخرین بخش سوره به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد. بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری.

کلید واژه‌ها؛ *تفسیر ساختاری، امامت، انذار، غرض سوره، تناظر آیات، سوره یس، پدیدارشناسانه*

---

1. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران؛
hojjat.torshizi@gmail.com

2. استاد گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
info@hemamia.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

1ـ بیان مساله

نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن کریم، رویکرد نوینی است که در میان مفسران و قرآن پژوهان معاصر مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد هر سوره به عنوان یک کلِّ منسجم در نظر گرفته می‌شود که دارای یک موضوع محوری است و موضوعات خردتر مطرح در آن، همه مرتبط با هم و در جهت تبیین موضوع محوری، در یک نظام، سامان یافته‌اند. در این رویکرد تمامی آیات سوره در ارتباط با هم قرار دارند و واژگان، عبارات، آیات، سیاق‌ها و بخشهای سوره نیز در پرتو این ساختار و ارتباطاتی که با هم دارند، معنا می‌یابند.

رویکرد ساختارگرایانه به قرآن که در دوران معاصر از آثار اندیشمندانی مانند اشرف‌علی تهانوی، سید قطب، امین‌احسن اصلاحی و سعید حوّی آغاز گردیده است، جریانی نوپا در عرصه تفسیر قرآن محسوب می‌شود که هنوز نیازمند تقویت پشتوانه‌های نظری و آزمودن روش‌های مختلف در جهت کشف و تدوین روش‌های کارآمد است. از طرفی این رویکرد خود با چالش‌هایی روبرو است که پاسخ‌های قابل قبول و فراخور جایگاه والای قرآن کریم در نگاه مسلمانان را می‌طلبند. چالش‌هایی مانند تنوع موضوعات مطرح شده در سوره‌ها، نبود معیار و روش اطمینان‌بخش برای کشف ساختار سوره‌ها و عدم استحکام پیش‌فرض‌های نظری. (نکـ ؛ حسینی، سراسر اثر)

از همین رو پژوهش حاضر در جهت فراهم آوردن پاسخی برای این چالش‌ها و تقویت پشتوانه‌های نظری نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن و ارائه روش‌های عملی برای آن، کوشیده تا رویکرد پدیدارشناسانه را به عنوان یک رویکرد نوین در تفسیر ساختاری قرآن، به کار بندد و کارایی این رویکرد را در کشف ساختار سوره یس بیازماید. کاربست این رویکرد به این نتیجه انجامیده که در نگاه نخست آیات سوره یس به پنج دسته قابل تقسیم است. هر دسته از آیات در حیطه مشخص و متفاوت با حیطه سایر بخش‌های سوره به موضوع خود پرداخته است. همچنین این رویکرد نشان می‌دهد موضوعات این پنج دسته

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

از آیات در ارتباط نظام‌مند با یکدیگر و گرد یک محور در جهت تبیین موضوع اصلی سوره ساختار یافته‌اند.

2ـ رویکرد پدیدارشناسانه در مواجهه با قرآن

پدیدارشناسی یا فنومنولوژی[1] به معنای تحت‌اللفظی‌اش شناخت پدیدارها به معنای نمودها یا ظهورات چیزها یا چیزها آنچنان که در تجربه ما نمودار می‌شوند، است. (اسمیت، 13) در معنای اصطلاحی پدیدارشناسی سنتی فلسفی است که به دنبال تلاش‌های فیلسوف آلمانی ادموند هوسرل[2](1938ـ1859م) نخستین بار به عنوان یک روش دقیق و جامع تفکر شناسانده شد. (ریخته‌گران، 3) پدیدارشناسی به بررسی ساختارهای انواع گوناگون تجربه آگاهانه، چه تجربه از اعیان خارجی و چه تفکر، عاطفه، اراده و عمل، می‌پردازد.(اسمیت، 19)

رویکرد پدیدارشناسی در مقابل رویکرد طبیعی[3] معنا می‌یابد. رویکرد طبیعی، رویکردی آغازین و بنیادی است که در آن انسان از دیدگاه پیش‌داشت[4] خود، که شامل پیش‌داوری‌ها و پیش‌فهم‌هایی است، با واقعیت‌ها و گونه‌های مختلف اعیان خارجی مواجه می‌شود. (ساکالوفسکی، 99) در رویکرد طبیعی، تجربه آگاهانه با باورهای ضمنی و فرض‌های از پیش بدیهی انگاشته شده همراه است. این باورهای ضمنی و از پیش بدیهی انگاشته شده که بر فهم و تلقی انسان از واقعیت‌های خارجی تاثیر گذار هستند، نه تنها در علوم مختلف مورد پذیرش قرار گرفته‌اند بلکه در زندگی روزمره نیز نفوذ پیدا کرده‌اند، از همین رو این رویکرد را رویکرد طبیعی می‌نامند. در مقابل در رویکرد پدیدارشناسی، دور بودن تجربه آگاهانه از پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها مورد تاکید قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد به جای آن‌که اجازه دهیم نظریات پیش‌انگاشته تجربه ما را شکل دهند، تجربه باید تعیین

1. Phenomenology
2. Edmund Husserl
3. natural attitude
4. default

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

کننده نظریه‌های ما باشد. (زهاوی، 116) از منظر دیگر می‌توان گفت پدیدارشناسی می‌کوشد تا با کنار نهادن پیش‌فرض‌ها و پرهیز از توضیح علّی و سایر تبیین‌های دیگر، توصیفی دقیق از آن‌چه مستقیماً در حوزه آگاهی قرار می‌گیرد، ارائه دهد.(ربانی گلپایگانی، 23)

تغییر نگرش از رویکرد طبیعی به سوی رویکرد پدیدارشناسانه، فروکاست پدیدارشناسی[1] نامیده می‌شود. فروکاست پدیدارشناسی نیازمند آن است که کلیه معارف نظری، فرضیه‌ها، پیش‌فهم‌ها، پیش‌داوری‌ها و آن‌چه دیگران درباره شیء مورد مطالعه گفته‌اند، که در رویکرد طبیعی از دریچه آن‌ها با واقعیت‌ها مواجه می‌شویم «تعلیق» شود. در تعلیق یا اپوخه[2]، تمام باورها و پیش‌فرض‌های موجود در رویکرد طبیعی در پرانتز قرار می‌گیرد و این به معنای تعلیق هر گونه حکم و تصدیقی است که مقتضی اعتقاد ما به چگونگی تحقق وجودی اشیاء است. (ریخته‌گران، 38) تعلیق یا اپوخه به معنای نفی واقعیت یا مورد شک قرار دادن آن نیست بلکه صرفا به معنای بی‌پیش‌فرض‌بودگی[3] و بی‌طرفی در مواجهه با واقعیت است که کمک می‌کند تا بتوان توجه دقیق و مستقیم‌تری به واقعیت داشت تا امکان نزدیک شدن به واقعیت و افشای معنای حقیقی آن فراهم شود. (زهاوی، 118)

رویکرد پدیدارشناسانه می‌تواند با زدودن پیرایه پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها، در کشف ساختار سوره‌های قرآن کارآمد باشد. چرا که به دلیل غالب نبودن گفتمان ساختارگرایی در میان مفسران پیشین، عمده پیش‌فرض‌های متداول در سنت تفسیری بر پایه نگاه غیر ساختاری به آیات قرآن شکل گرفته‌اند. این پیش‌فرض‌ها، که مخفیانه در فرایند تفسیر مداخله می‌کنند و باعث می‌شوند تا مفسر ناآگاهانه در جهت تطبیق مدلول آیات بر آن‌ها بکوشد، در اذهان مفسران معاصر مانند حجابی مانع آن می‌شود تا ایشان بتوانند نگاهی بر چهره ساختارمند قرآن کریم داشته باشند و راهی به سوی کشف آن ساختار بگشایند.

در این روش محقق با حرکت در قصر یک سوره بخشهای مختلف آن را می‌شناسد

1. phenomenological reduction
2. Epoche
3. Presuppositionlessness

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

موضوعات جدید را در آن کشف کرده و کشفیات خود را گزارش می دهد و پس از آن به استدلالهای متناسب برای آن کشفیات گزارش شده می پردازد.

پژوهش حاضر از رویکرد پدیدارشناسانه در مواجهه با آیات سوره یس بهره برده است. به این معنا که تلاش شده تا پیش‌فرض‌های بنیادین در تفسیر ساختاری قرآن مانند توقیفی بودن چینش آیات و پیش‌فهم‌های رایج در سنت تفسیری پیرامون آیات این سوره که بر اثر قرن‌ها فعالیت تفسیری و کلامی انباشته شده در «تعلیق» قرار بگیرد تا داده‌هایی با واسطه‌های کمتر از آیات قرآن گردآوری شود. استقلال این رویکرد از پیش‌فرض‌ها و اتکای آن بر ظاهر آیات قرآن، سبب افزایش اطمینان‌بخش بودن نتایج آن می‌شود.

3ـ کشف ساختار سوره یس

3ـ1ـ دسته‌بندی آیات سوره یس

دسته‌بندی آیات سوره یس، با یک نگاه کلی به فرازهای سوره و بدون پرداختن به جزئیات آن، انجام می‌گیرد. هر دسته آیه در حیطه‌ای مشخص و متفاوت با سایر آیات به موضوع خود می‌پردازد. نشانه‌گان لفظی سوره، ارتباط معنایی بین آیات و تغییر در موضوع آیات و حیطه‌ای که به آن می‌پردازند، ملاک‌هایی است که در بخش‌بندی آیات می‌توان از آن‌ها بهره برد. بررسی اجمالی آیات، برای هر دسته از آیات عنوانی ابتدایی به دست می‌دهد.

سوره با واژه غریب «یس» آغاز می‌شود که نام خود را نیز از آن وام گرفته است. بعد از آن با سوگند به «قرآن حکیم» مخاطب خود را از جمله رسولان و بر صراط مستقیم می‌داند (یس، 4ـ2) که روشن می‌سازد، این فردِ رسولِ مخاطب سوره، رسول الله(ص) است. در آیات بعد سخن از تنزیل قرآن توسط خداوند عزیز و رحیم به میان آمده (یس، 5) و در آیه شش، هدف از ارسال رسول الله(ص) و تنزیل قرآن انذار قومی معرفی شده که پدرانشان انذار نگشته و از غافلان هستند. خداوند در آیات بعدی به توصیف ویژگی‌ها و رفتارهای این قوم می‌پردازد.(یس، 12ـ7) از آیه 13 خداوند با عبارت «وَ اضْرِبْ لَهُمْ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

مَثَلا» سخن پیرامون انذار قوم توسط رسول الله(ص) را به پایان برده و با تغییر آشکار فضای بحث، به بیان سرگذشت یکی از اقوام گذشته می‌پردازد. بنابراین اولین بخش از آیات سوره یس، آیات 1 تا 12 این سوره است که به موضوع ارسال رسول الله(ص) جهت انذار قوم می‌پردازد.

آیات بعدی سرگذشت قومی را، بی آن‌که به زمان و مکان زندگی ایشان و حتی نام رسولان ایشان اشاره کنند، روایت می‌کنند. این گسست موضوعی به روشنی دو بخش اول و دوم سوره یس را از یکدیگر جدا می‌کند. خداوند در آیه 13 سوره یس از رسول الله(ص) می‌خواهد تا سرگذشت «اصحاب قریه»ای را برای «ایشان» نقل کند. بر اساس آن که در آیات پیشین خداوند قوم رسول الله(ص) را مورد خطاب قرار داده بود، می‌توان مراد خداوند از «ایشان» را قوم رسول الله(ص) دانست.

بر اساس آیات بخش دوم سوره یس، خداوند رسولانی را به سوی اصحاب آن قریه ارسال کرد. اما آن قوم رسولان را تکذیب کرده و آنان را به عذابی دردناک تهدید می‌کنند. (یس، 16ـ14) در مقابل فردی که خداوند از او با عبارت «رجل یسعی» یاد می‌کند، مردم قوم را به تبعیت از رسولان دعوت می‌کند. (یس، 25ـ20) آیات بعدی قرار گرفتن رجل یسعی در بهشت و نزول عذاب بر قوم او را بیان می‌کنند(یس، 29ـ26) و در مقام بیان یک قانون کلی، هلاکت را سرانجام تمام کسانی می‌دانند که دست به استهزاء رسولان بزنند. (یس، 32ـ30) در آیات بعد از آیه 32 سوره، خداوند به بیان احیاء زمین مرده و رویاندن دانه و ایجاد باغ‌ها و چشمه‌ساران در آن به عنوان یک نشانه پرداخته است. (یس، 36ـ33) موضوعات مطرح شده در این آیات نشان می‌دهد که دیگر بیان سرگذشت قوم رجل یسعی به پایان رسیده است. بر این اساس دومین دسته از آیات سوره یس، آیات 13 تا 32 این سوره هستند که به شرح سرگذشت یکی از اقوام پیشین می‌پردازند.

سومین دسته از آیات سوره یس، شامل آیات 33 تا 47 این سوره است که نه به موضوع ارسال رسول الله(ص) جهت انذار قوم ایشان پرداخته و نه سرگذشت قوم «رجل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

یسعی» را پی می‌گیرد. بلکه در این بخش از سوره یس، خداوند در سه گروه از آیات که با عبارت «وَ آیَةٌ لَهُمُ» شروع می‌شوند، نشانه‌هایی را در طبیعت برای قوم رسول الله(ص) معرفی می‌کند.

احیاء زمین مرده، آمد و شد شب و روز و خورشید و ماه و حمل نیاکان انسان‌ها در کشتی نشانه‌های سه گانه‌ای هستند که خداوند در این بخش از سوره به توضیح آن‌ها می‌پردازد. موضوعات تمام این نشانه‌های سه‌گانه پدیده‌های طبیعی است که در دنیا رخ داده و در حوزه‌ای قرار دارند که می‌تواند مورد مطالعه انسان قرار گیرد. در انتهای این بخش از سوره و در آیات 45 تا 47 خداوند به بیان اعراض کافران از این نشانه‌های الهی می‌پردازد. بر این اساس سومین بخش از آیات سوره یس شامل آیات 33 تا 47 این سوره است که به تبیین برخی از نشانه‌های خداوند در دنیا برای قوم رسول الله(ص) می‌پردازد.

چهارمین دسته آیات، که از آیه 48 آغاز می‌شود، به توصیف قیامت و سیر حوادث آن می‌پردازد نه دنیا و پدیده‌های طبیعی. همین تغییر حیطه بحث خداوند، این آیات را از آیات دسته سوم متمایز می‌کند. دسته چهارم آیات سوره یس در پاسخ به کلام گروهی شکل می‌گیرد که می‌گویند؛ «مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِين» (یس، 48) خداوند در پاسخ به قسمت اول از کلام این گروه که با طرح سوال «مَتی هذَا الْوَعْد» در برپایی وعده خداوند، که با توجه به آیات بعدی معلوم می‌شود مراد از آن قیامت است، تردید وارد می‌کنند، به توصیف صحنه‌های سخت و شدید قیامت می‌پردازد. با قرار گرفتن در چنین صحنه‌هایی است که این گروه پی به حقانیت وعده خداوند خواهند برد و خواهند گفت: «هذا ما وَعَدَ الرَّحْمن». (یس،52) در آیات بعدی نیز خداوند سرانجام مومنان و کافران در قیامت را توصیف می‌کند. (یس، 68ـ53)

خداوند بعد از توصیف قیامت و بیان سرانجام مومنان و کافران در آن، در آیه 69 سوره از رسول الله(ص) و حقانیت کلام ایشان دفاع می‌کند؛ «وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما يَنْبَغی لَهُ إِنْ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

هُوَ إِلاّ ذِکْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبینٌ» و در آیه 76، که آخرین آیه این بخش از سوره یس است، به دلجویی از رسول الله(ص) در قبال قول «ایشان» پرداخته است؛ «فَلا یَحْزُنْکَ قَوْلُهُم». این دو آیه نشان می‌دهد که گویندگان آیه 48 سوره گروهی از قوم رسول الله(ص) هستند و خداوند آیات 69 تا 76 سوره یس را در پاسخ به قسمت دوم کلام این گروه در آیه 48، یعنی عبارت «إِنْ کُنْتُمْ صادِقِین»، که حاکی از تکذیب رسول الله(ص) توسط قوم ایشان است، فرموده است. توجه به آیه 48 در فضای کلی سوره یس که عبارت از سخن گفتن خداوند با رسول الله(ص) درباره قوم ایشان است نیز این نتیجه‌گیری را تایید می‌کند. بنابراین این آیات نیز در ارتباط با آیه 48 سوره هستند و در بخش چهارم آیات سوره جای می‌گیرند.

خداوند در این آیات به دلجویی از رسول الله(ص) به دلیل زیر سوال بردن صدق ایشان توسط قوم، که متناظر تکذیب رسولان توسط قوم رجل یسعی است، می‌پردازد. خداوند تکذیب رسول الله(ص) را همانند رفتارهای دیگر این قوم مطرح می‌کند؛ ایشان به آفرینش و رام گرداندن چارپایان توسط خدا هیچ توجهی نمی‌کنند و غیر از الله خدایان دیگری را به پرستش می‌گیرند. (یس، 75ـ71) در تمام این موارد قوم ایشان با دیدن نعمات و نشانه‌هایی مسلم از خداوند، رفتار درستی نشان نمی‌دهند. همان‌گونه که با شنیدن انذار رسول الله(ص) و «قرآن مبین» انذار نمی‌پذیرند. (یس، 70ـ69) در حقیقت بی‌بصیرتی قوم نسبت به انذار رسول الله(ص) و نشانه های خداوندی که در پیرامون ایشان قرار گرفته است، نتیجه «وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُون» است که خداوند در آیات ابتدایی سوره به آن اشاره کرد. در پایان این بخش نیز خداوند به رسول خویش اطمینان می‌دهد که آن‌چه را که پنهان و آن‌چه را که آشکار می‌کنند، می‌داند. (یس، 76)

آخرین دسته از آیات سوره یس شامل آیات 77 تا 83 این سوره است. این دسته از آیات به لحاظ دو ویژگی از دسته‌های پیشین متمایز است. نخست آن‌که دایره مخاطبان این آیات گسترش یافته و نه تنها قوم رسول الله(ص) بلکه تمام انسان‌ها را شامل شده است؛

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

«أَ وَ لَمْ یَرَ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ». (یس، 81ـ77) در این بخش از آیات خداوند انسان را مواخذه می‌کند که چگونه به ستیزه‌جویی برخاسته و آفرینش خود را فراموش می‌کند و قدرت خداوندی را که نخستین بار او را آفریده و در درخت سبز آتش نهاده و آسمان‌ها و زمین را آفریده، در زندگی بخشیدن به استخوان‌های پوسیده ناکافی می‌داند. (یس، 81ـ77)

از طرف دیگر حیطه این دسته از آیات به قومی در گذشته، آیات خدواندی در دنیا یا وقایع قیامت محدود نمی‌شود. بلکه در یک نگاه کلی و در حیطه‌ای که شامل تمام حیطه‌هایی است که تا قبل از آن در سوره مطرح شده، خداوند خود را قادری معرفی می‌کند که در تمام پهنه عالم با کلام او هر چیزی موجود می‌شود و ملکوت همه چیز در دست اوست. (یس، 82ـ83) این دو وجه تمایز سبب می‌شود تا این دسته از آیات به عنوان بخش مستقلی در کنار سایر بخش‌های سوره یس قلمداد شود.

بنابراین آیات سوره یس به پنج بخش قابل تقسیم هستند که هر کدام از این بخش‌ها دارای موضوع مشخصی است؛ ارسال رسول الله(ص) برای انذار قوم، بیان سرگذشت یک قوم در گذشته، توصیف برخی پدیده‌های دنیایی، توصیف احوال مومنان و کافران در قیامت و در نهایت اشاره به اداره تمام عالم توسط خداوند. جدول شماره(1) نتیجه حاصل از بخش‌بندی سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره(1) ـ بخش‌بندی آیات سوره یس

بخش‌های سوره	محدوده آیات	عنوان ابتدایی هر بخش
اول	12ـ1	لِتُنْذِرَ قَوْمًا...؛ ارسال رسول الله(ص) برای انذار
دوم	32ـ13	وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً...؛ بیان سرگذشت قومی در گذشته
سوم	47ـ33	وَ آیَةٌ لَهُمْ...؛ توصیف برخی پدیده‌های دنیایی
چهارم	76ـ48	هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ...؛ توصیف قیامت
پنجم	83ـ77	بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ...؛ اداره تمام عالم توسط خداوند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

3ـ2ـ ارتباط بین بخش‌های سوره یس

با بررسی یازده آیه از دوازده آیه ابتدایی این سوره، به نظر می‌رسد که سخن خداوند درباره ارسال رسول الله(ص) و ماموریت انذار ایشان سخن کاملی است و هیچ بخش از آن فروگذار نشده است و مخاطب این آیات خود را با پرسش بدون پاسخی روبرو نمی‌بیند؛ «خداوند رسول الله(ص) را از جمله رسولان و بر صراط مستقیم قرار داد و قرآن را تنزیل فرمود تا رسول الله(ص) قوم خویش را انذار دهند. قومی که پدرانشان انذار نشده و از غافلان هستند. این قوم به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شوند. خداوند به دلیل محقق شدن «قول»[1] اکثریت این قوم را از جمله انذارناپذیران معرفی می‌کند. در آیات 8 تا 10 خداوند به تفصیل به علت نپذیرفتن انذار اکثریت این قوم می‌پردازد. ما غل‌هایی بر گردن‌های ایشان تا چانه‌هایشان قرار دادیم و سدی در پیش رو و پشت سرشان نهادیم. در نتیجه چه رسول الله(ص) ایشان را انذار دهند و چه انذار ندهند، برای ایشان برابر است و ایمان نخواهند آورد. در مقابل این اکثریت انذارناپذیر، خداوند پذیرش انذار را محصور در گروه اقلیتی می‌داند که دارای دو صفت تبعیت از ذکر و خشیت نهانی از خداوند رحمان هستند. خداوند نیز از طریق رسول الله(ص) به ایشان بشارت به مغفرت و اجر کریم می‌دهد.» (یس، 1ـ11)

اما بخش اول سوره یس با آیه یازده به پایان نمی‌رسد و قبل از آیه سیزده که آیه آغازین قسمت دوم سوره است، آیه دوازده سوره قرار گرفته است. در این آیه خداوند احیاء مردگان، کتابت اعمال و «احصاء تمام چیزها در امام مبین»[2] را به خود نسبت می‌دهد.

---

1. با توجه به رویکرد پدیدارشناسانه، مفاهیم مطرح در سوره تا جایی که نقشی در فرایند کشف ساختار سوره نداشته باشند، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و حتی تا جای ممکن از ترجمه آن‌ها خودداری می‌شود. زیرا در فرایند ترجمه پیش‌فهم‌ها و عادت‌واره‌های تفسیری دخیل هستند و این موضوع مانع از نزدیک شدن به تعلیق پدیدارشناختی است.

2. با توجه به پای‌بندی به رویکرد تعلیق پدیدارشناسانه، سعی شده تا از برگردان جزء به جزء این عبارت به زبان فارسی احتراز شود و تا جای ممکن این عبارت به عنوان یک واحد کلامی در نظر گرفته شود. در ادامه مقاله کوشش‌هایی جهت کشف معنای کلی این عبارت فارغ از معنای هر کدام از اجزای سازنده آن انجام خواهد گرفت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

اما مفاد این آیه چگونه با آیات قبلی این دسته ارتباط برقرار می‌کند؟ پاسخ این پرسش در گرو یافتن مفهومی در ارتباط با انذار قوم توسط رسول الله(ص) است که در بیان آیات یازده‌گانه ابتدای سوره یس به آن پرداخته نشده باشد. آن‌چه در ارتباط با ماموریت انذار قوم توسط رسول الله(ص) تا قبل از آیه دوازده مغفول مانده است، موضوع انذار است. در ماموریتی که خداوند در سوره یس برای رسول الله(ص) قرار می‌دهد، ایشان مامور بودند تا قوم خود را نسبت به چه حقایقی انذار دهند؟ با در نظر گرفتن مفاد آیه دوازده به عنوان موضوع انذار رسول الله(ص)، این آیه در یک ارتباط حکیمانه با آیات قبل از خود قرار می‌گیرد و در مجموع تصویر کامل و منسجمی از دوازده آیه ابتدایی سوره یس ترسیم می‌شود.

بر این اساس دسته اول از آیات سوره یس حاکی از ارسال رسول الله(ص) جهت انذار قوم به بخش‌های سه‌گانه آیه دوازده یعنی احیاء مردگان، کتابت اعمال و احصاء تمام چیزها در امام مبین است. در حقیقت ماموریتی که خداوند در سوره یس بر عهده رسول الله(ص) قرار می‌دهد، یک ماموریت خاص است. ایشان در سوره یس مامور به یک انذار ویژه می‌شوند و نه مطلق هر انذار؛ انذار به مقولات سه‌گانه آیه 12 سوره یس.

اما ایمان به دو بخش اول این آیه یعنی زنده شدن مردگان در قیامت و کتابت اعمال انسان‌ها، محدود به گروه اقلیت از قوم رسول الله(ص) نیست. ایمان به برپایی قیامت و رسیدگی به اعمال انسان‌ها در آن، از اصول دین اسلام و مورد پذیرش قاطبه مسلمانان است. نه تنها امت اسلام بلکه پیروان سایر ادیان توحیدی نیز به این دو موضوع باور دارند. در حالی که در آیات ابتدایی سوره یس ایمان نیاوردن اکثریت قوم رسول الله(ص) و برابر بودن انذار یا عدم انذار ایشان مطرح است. بنابراین در ماموریتی که آیات ابتدایی سوره یس حاکی از آن است، باید مهم‌ترین موضوع انذار رسول الله(ص) را که اکثریت قوم ایشان به آن ایمان نیاوردند، در بخش سوم آیه دوازده جستجو کرد. به بیان دیگر موضوع اصلی این دسته از آیات را می‌توان «انذار به احصاء تمام چیزها در امام مبین» دانست.

اما احصاء تمام چیزها در امام مبین به چه معنا است؟ مفسران قرآن کریم در این زمینه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

معانی متعدد و متفاوتی را محتمل دانسته‌اند.[1] رویکرد تعلیق پدیدارشناسانه ایجاب می‌کند با در تعلیق قرار دادن تمام نقل قول‌های مفسرانه درباره این مفهوم،[2] تنها بر اساس آن‌چه از آیات سوره یس برای مخاطب آن پدیدار می‌شود در جستجوی معنای این عبارت بود. با توجه به این که این موضوع، اصلی‌ترین موضوع انذاری است که در آیات ابتدایی سوره یس بر عهده رسول الله(ص) گذارده شده و از طرف دیگر از میان قوم ایشان تنها کسانی که دارای دو صفت ممتاز «تبعیت از ذکر» و «خشیت نهانی از خداوند» باشند، مخاطبان این انذار هستند، این عبارت باید دارای معنایی عظیم و مرتفع باشد. اما این جمله آخرین جمله از بخش اول آیات سوره یس است و مطالعه پدیدارشناسانه آیات این بخش از سوره یس و ارتباطات حاکم بر آن‌ها، پرده از معنای این عبارت بر نمی‌دارد و آن را از ابهام خارج نمی‌سازد.

این ابهام اقتضای طرح یک مثال برای روشن شدن این معنا را فراهم می‌آورد. بخش دوم سوره یس نیز، با طرح یک مثال آغاز می‌گردد و خداوند با عبارت «**وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلا**» سرگذشت قومی را به عنوان یک مثال بیان می‌کند. بنابراین می‌توان دسته دوم آیات در سوره یس را مثالی جهت تبیین موضوع مطرح شده در دسته اول آیات این سوره در نظر گرفت و به این ترتیب این دو دسته آیات را در ارتباط با هم دانست.[3]

مقایسه آیات این دو بخش از سوره نیز تناظر اساسی و شباهت‌های برجسته و قابل توجهی را بین دسته اول آیات و مثال مطرح شده در دسته دوم نشان می‌دهد. ماجرای اصلی در هر دو دسته از آیات، ارسال رسول به سوی مردمان یک قوم است. نیز قوم

---

1. مانند لوح محفوظ (زمخشری، 7/4؛ طوسی، 447/8؛ ملاصدرا، 35/5)، کتاب اعمال (طبرسی، 654/8)، علم خداوند (طبرسی، 654/8؛ مراغی، 148/22). اما این معانی علاوه بر این‌که با یکدیگر سازگاری ندارند با سایر معارف قرآنی نیز هم‌خوانی ندارند (برای مشاهده برخی از این ناسازگاری‌ها رک: آلوسی، 391/11؛ طباطبایی، 67/17) و نوعا نقل قولی از مفسران متقدم است و بر پایه استدلال بنا نشده‌اند. (نک: طبری، 100/22؛ قرطبی، 13/16)

2. باید توجه داشت که در این رویکرد هیچ قضاوتی نسبت به صحت و سقم این اقوال صورت نمی‌گیرد. بلکه حکم نسبت به صحت و سقم این اقوال در تعلیق قرار می‌گیرد.

3. مولف تفسیر المیزان نیز که دسته اول آیات سوره یس را شامل آیات 1 تا 12 و دسته دوم آیات سوره را شامل آیات 13 تا 32 می‌داند، این‌گونه بین این دو دسته از آیات سوره ارتباط برقرار کرده است. (طباطبایی، 72/17)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

رسولان مانند قوم رسول الله(ص) به دو گروه اکثریت انذارناپدیر و اقلیت انذارپذیر، که تنها شامل فردی است که خداوند با عنوان «رجل یسعی» از او یاد می‌کند، تقسیم می‌شوند. «رجل یسعی» نیز مانند انذارپذیران قوم رسول الله(ص) دارای دو صفت تبعیت و خشیت نهانی از خداوند رحمان است؛ دعوت او از مردم به تبعیت از رسولان نشان می‌دهد خود او نیز اهل تبعیت از رسولان بوده است. همچنین در کلام او خشیت نسبت به خداوند رحمان آشکار است.[1] سرانجامِ او نیز دقیقا منطبق با سرانجامی است که خداوند به انذارپذیران قوم رسول الله(ص) بشارت داده است. یعنی مورد مغفرت قرار گرفتن و بهره‌مندی از اجر کریم. (یس، 27) مطابق با دو قسمت اول آیه دوازده که به احیای مردگان و کتابت اعمال ایشان اشاره می‌کند، «رجل یسعی» که توسط قوم خویش به شهادت می‌رسد، (نک: طباطبایی، 79/17) از حیات دنیایی به حیات والاتری وارد می‌شود[2] و خداوند بعد از کتابت اعمالش او را در بهشت قرار می‌دهد.

رویکرد پدیدارشناسانه به این دو فراز از سوره یس، تناظر و تشابه بسیار زیادی را روشن ساخت تا جایی که می‌توان گفت که دسته دوم آیات مثالی برای تبیین موضوعات مطرح شده در دسته اول آیات است و ارتباط شدید و حکیمانه‌ای بین این دو دسته از آیات وجود دارد. این ارتباط نخستین نشانه‌های ساختارمندی سوره یس را آشکار می‌کند. چرا که ساختار داشتن سوره اقتضا می‌کند که تمام بخش‌های سوره در ارتباط با هم باشند و در سوره به عنوان یک متن مستقل و تام، مفاهیم مطرح شده در ابهام باقی نمانند و حتما در همان سوره توضیح یابند. خصوصا برای مفاهیمی مانند مفهوم «احصاء در امام مبین» که تنها یک بار در قرآن ذکر شده است[3] و نمی‌توان از قسمت‌های دیگر قرآن نیز برای کشف این مفهوم بهره مستقیمی گرفت.

---

1. «رجل یسعی» در محاجه با قوم خویش، در بیان بی‌فایده و نافرجام بودن پرستش الهه‌ها، خشیت خود نسبت به خداوند رحمان را نشان می‌دهد که اگر خداوند رحمان گزندی را متوجه او سازد، الهه‌ها نه توان شفاعت در نزد او را دارند و نه می‌توانند نجات‌بخش او باشند؛ ءَ أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ لا تُغْنِ عَنِّی شَفاعَتُهُمْ شَيْئًا وَ لا يُنْقِذُونِ (یس، 23).
2. وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا فی سَبيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل‌عمران، 169).
3. شبیه‌ترین آیه «کل شیء احصیناه کتاباً»(نباء، 29) است که در آن مفهوم «امامت» به کار نرفته است و ابتدائاً دلیلی نیز بر مترادف بودن دو واژه کتاباً و اماماً وجود ندارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

بر اساس این رویکرد یافتن مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در قسمت اول سوره، نیازمند جستجو جهت نمایان ساختن مفهوم متناظر آن در مثال مطرح شده در قسمت دوم سوره است. جدول شماه(2) تناظر حاکم بین عبارات دو دسته اول آیات سوره یس را نشان می‌دهد. توسعه این تناظر شبکه‌ای بین این دو دسته از آیات تنها به این شکل ممکن است که قسمت سوم آیه 12 را متناظر با آیات 28 تا 32 بدانیم. به بیان دیگر این رویکرد مستلزم آن است که مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در این آیات توضیح داده شده باشد.

جدول شماره (2): تناظر حاکم بین دو دسته اول آیات سوره یس

آیات بخش اول	آیات بخش دوم
آغاز بیان با قرار دادن رسول الله(ص) در زمره رسولان؛ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِین(3)	آغاز ماجرا با ارسال مرسلین به سوی قریه؛ أَصْحابَ الْقَرْیَةِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ(13)
ارسال رسول الله(ص) برای انذار قوم؛ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ(6)	ارسال رسولان برای بلاغ مبین؛ وَ ما عَلَیْنا إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبِینُ(17)
بی فایده بودن انذار رسول الله برای اکثریت قوم؛ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلیَ أَکْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ(7)	بی‌ثمر بودن دعوت مرسلین برای اکثریت اهل قریه؛ قالُوا ما أَنْتُمْ إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُنا وَ ما أَنْزَلَ الرَّحْمنُ مِنْ شَیْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلاّ تَکْذِبُونَ(15)
اکثریت قوم نتوانستند حقانیت دعوت رسول الله(ص) را بپذیرند؛ وَ جَعَلْنَا مِن بَینْ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ(9)	اکثریت قوم نتوانستند حقانیت دعوت رسولان را بپذیرند؛ قالُوا إِنّا تَطَیَّرْنا بِکُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّکُمْ وَ لَیَمَسَّنَّکُمْ مِنّا عَذابٌ أَلیمٌ(18)
محدود ساختن بهره‌مندی از انذار به افرادی با ویژگی‌های خاص؛ إِنَّمَا تُنذِرُ ....(11)	محدود شدن پاسخ مثبت به دعوت مرسلین به یک فرد خاص؛ وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِینَةِ رَجُلٌ یَسْعی...(20)
اتباع از ذکر، ویژگی اول انذارپذیران؛ إِنَّما تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَ(11)	دعوت «رجل یسعی» از قومش برای اتباع از رسولان؛ قالَ یا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلینَ(20)
خشیت خدای رحمان در نهان، ویژگی دوم انذارپذیران؛ ...وَ خَشِیَ الرَّحْمنَ بِالْغَیْبِ(11)	بیم «رجل یسعی» از عذاب خدای رحمان در صورت پرداختنش به الهه‌ها؛ إِنْ یُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ(23)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

بشارت انذارپذیران حقیقی به مغفرت و اجر کریم؛ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ کَرِیمٍ(11)	غفران و تکریم الهی برای «رجل یسعی»؛ بِما غَفَرَ لی رَبّی وَ جَعَلَنی مِنَ الْمُکْرَمین(27)
احیاء مردگان و کتابت اعمال؛ إِنَّا نحْنُ نُحْیِ الْمَوْتیَ وَ نَکْتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَ ءَاثَرَهُمْ(12)	شهید شدن رجل یسعی و قرار گرفتن در بهشت؛ قِیلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ یَالَیْتَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ(26) بِمَا غَفَرَ لیَ رَبیّ وَ جَعَلَنیِ مِنَ الْمُکْرَمِینَ(27)
احصاء تمام چیزها در امام مبین؛ کلَّ شیَءٍ أَحْصَیْنَاهُ فیِ إِمَامٍ مُّبِینٍ(12)	احصاء تمام چیزها در امام مبین؛ آیات 28 تا 32

جهت کشف معنای این عبارت با در پرانتز قرار دادن پیش‌فهم‌های در ارتباط با این آیات، مفاهیمی که از این آیات پدیدار می‌شوند را استخراج می‌کنیم؛ این آیات حاکی از به سرانجام رساندن قوم رجل یسعی است. به سر انجام رساندنی که تحت سلطه و سیطره قدرت‌مندانه خداوند به سهولت و با به کار گرفتن کم‌ترین اسباب ممکن صورت گرفته است. خداوند برای عذاب ایشان جنودی از آسمان نازل کرد و عذاب‌شان تنها با یک صیحه واقع شد. (یس، 28ـ29) این رفتار خداوند منحصر به قوم رجل یسعی نیست و به عنوان سنتی در تمام سیر بشری حاکم است و خداوند تمام انسان‌ها را نزد خویش حاضر خواهد کرد. (یس، 30ـ32) به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری سه مفهومی است که در این آیات به چشم می‌خورد. بنابراین مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» فارغ از معنای هر کدام از اجزای سازنده آن، ترکیب یافته از این سه مولفه مفهومی است.

این سه مولفه مفهومی را می‌توان در آیات 26 و 27 سوره یس نیز ردیابی کرد؛ نخست آن‌که این دو آیه حاکی از به سرانجام رساندن رجل یسعی یعنی در بهشت قرار گرفتن او است. دوم آن‌که این کار به سهولت و تنها با «گفتن» در بهشت ساکن شو! انجام گرفته است. خداوند حتی به فاعلِ گوینده آن نیز اشاره نکرده و به ذکر یک فعل مجهول بسنده کرده است. سوم آن‌که این رفتار خداوند تمام افراد انذارپذیر قوم را ـ که البته تنها شامل یک نفر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

است ـ دربرمی‌گیرد. در حقیقت آیات 26 تا 32 سوره یـس، حـاکی از احصـاء دو گـروه انذارپذیران و انذارناپذیران قوم رجل یسعی به عنوان یکی از مصادیق «کل شـیء» در امـام مبین است. جدول شماره(3) سه مولفه مفهومی «احصاء تمام چیزهـا در امـام مبـین» را در آیات 26 تا 32 سوره یس نشان می‌دهد.

جدول شماره(3)؛ سه مولفه مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در آیات 26 تا 32 سوره یس

مولفه‌های مفهومی	گروه انذارپذیران آیات 26 و 27	گروه انذارپذیران آیات 28 تا 32
به ثمر و سرانجام رساندن	در بهشت قرار گرفتن رجل یسعی؛ قیلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ(26)	خاموش و فسرده شدن قوم؛ فَإِذا هُمْ خامِدُونَ(29)
احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار	در بهشت قرار گرفتن تنها با کلام واقع شد؛ قیلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ (26)	عذاب تنها با یک صیحه واقع شد؛ إِنْ كانَتْ إِلاّ صَيْحَةً(29)
شمولیت و فراگیری	گروه انذارپذیران قوم تنها شامل رجل یسعی بود؛ قیلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قالَ یا لَیْتَ قَوْمی یَعْلَمُونَ(26)	تمام قوم عذاب شدند؛ وَ ما أَنْزَلْنا عَلی قَوْمِهِ ... فَإِذا هُمْ خامِدُونَ(29ـ28)

بر این اساس می‌توان گفت قسمت اول سوره حاکی از ارسال رسول الله(ص) جهـت انـذار بـه «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. قسمت دوم سوره نیز اعمال مفهوم را در سـیر بشـریت در قالب مثال قوم رجل یسعی توضیح می‌دهد. البته افزایش میزان اعتبار این دستاورد و نزدیـک شـدن به ساختاری که تمام سوره یس را در بر گیرد، نیازمند بررسی فرازهای دیگر سوره است.

در بخش سوم آیات سوره یس، فضای بحث از بیان سرگذشت یکی از اقوام پیشین بـه توصیف آیات الهی در دنیا تغییر می‌کند. سرایت دادن الگویی که در بررسی دو قسـمت اول سوره به دست آمد به بخش سوم سوره، اقتضا می‌کند که این دسته از آیات را بیان‌گر مفهوم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

«احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطه دنیا و طبیعت باشد.

مفهوم به ثمر و سرانجام رساندن در رویاندن دانه از زمین و تبدیل آن به گیاه قابل استفاده، تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌های سرسبز و چشمه‌ساران جاری که انسان از ثمر آن بهره‌مند شود در «آیه» اول، روان ساختن خورشید به سوی جایگاه خود، تعیین منزل‌گاه‌هایی برای حرکت ماه در «آیه» دوم و حرکت کشتی در دریا تا رسیدن به مقصد در «آیه» سوم نمایان است.

احاطه قدرت خداوند نیز در این «آیه»ها قابل مشاهده است. قدرت بر زنده گرداندن زمین مرده، خلق ازواج از آن‌چه زمین می‌رویاند و از انسان‌ها و از آن‌چه انسان‌ها علمی به آن ندارند در آیه اول از آیات سه‌گانه، قادر نبودن خورشید برای رسیدن به ماه و عدم توانایی پیشی گرفتن شب بر روز و مقید بودن اجرام آسمانی بر مدار حرکت خود در آیه دوم و بیان این نکته که اگر خداوند می‌خواست آن‌ها که بر کشتی سوار هستند را غرق می‌کرد در حالی که هیچ فریاد رسی نداشتند در آیه سوم نشان دهنده احاطه قدرت خداوند در «آیه»هایی است که در این قسمت از سوره یس مورد اشاره قرار گرفته است.

سومین مولفه مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» یعنی شمولیت و فراگیری نیز در این «آیات» سه‌گانه‌ای قابل ردیابی است. در آیه اول خداوند بعد از توصیف رویاندن یک دانه و تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌ها و چشمه‌ساران، آفرینش تمام ازواج را به خود نسبت می‌دهد؛ **سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ ٱلأَزْواجَ «کُلَّها»**.(یس، 36) در آیه دوم نیز خداوند بعد از توصیف نظام دقیق حاکم بر رفتار اجرام آسمانی، تمام اجرام آسمانی را بر مدار خویش شناور می‌داند؛ «**کُلٌّ» فی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ**. (یس، 40) در آیه سوم نیز خداوند به این موضوع اشاره می‌کند که تمام نیاکان انسان‌ها را در کشتی انباشته حمل کرده است؛ **حَمَلْنا ذُرِّیَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ**. (یس، 41) بر این اساس می‌توان آیات بخش سوم از سوره یس را عهده‌دار توضیح مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطه آیات دنیا و پدیده‌های طبیعی دانست. جدول شماره(4) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» را در بخش سوم سوره یس نشان می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

جدول شماره(4): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش سوم سوره یس

مولفه‌های مفهومی	آیه اول [آیات 33_36]	آیه دوم [آیات 37_40]	آیه سوم [آیات 41_44]
به ثمر و سرانجام رساندن	رویاندن دانه از زمین و تبدیل آن به گیاه قابل استفاده، تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌های سرسبز	روان ساختن خورشید به سوی جایگاه خود، تعیین منزل گاه‌هایی برای حرکت ماه	حرکت کشتی در دریا تا رسیدن به مقصد
احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار	قدرت بر زنده گرداندن زمین مرده، خلق ازواج از آن‌چه زمین می‌رویاند و از انسان‌ها و از آن‌چه انسان‌ها علمی به آن ندارند	قادر نبودن خورشید برای رسیدن به ماه و عدم توانایی پیشی گرفتن شب بر روز و مقید بودن اجرام آسمانی بر مدار حرکت خود	قدرت بر غرق کسانی که بر کشتی سوار هستند در حالی که هیچ فریاد رسی ندارند
شمولیت و فراگیری	آفرینش تمام ازواج؛ سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ الْأَزْواجَ کُلَّها	حرکت تمام اجرام آسمانی بر مدار خود؛ کُلٌّ فی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ	حمل تمام نیاکان انسان‌ها را در کشتی انباشته؛ حَمَلْنا ذُرِّیَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ

حیطه دسته چهارم آیات سوره یس، قیامت و صحنه‌های عظیم آن است. در ابتدای این دسته از آیات، خداوند به توصیف شروع قیامت می‌پردازد که با دمیده شدن در صور، انسان‌ها از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار می‌آیند. بعد از آن خداوند در آیات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

55 تا 58 به بیان به سرانجام رساندن اهل بهشت می‌پردازد؛ «ایشان بـه شـادمانی مشـغول هستند و با ازواج خود زیر سایه‌های درختان بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و از میوه‌ها و هر چه بخواهند بهره‌مند می‌شوند و سلام خداوند مهربان شـامل ایشـان مـی‌شـود.» بعـد از ایـن آیـات خداوند به بیان سرانجام مجرمان می‌پردازد که بـه جهنمـی کـه بـه ایشـان وعـده داده شـده، در می‌آیند. این بخش از آیات سوره یس حاکی از اولین مولفه مفهومی احصاء تمام چیزها در امـام مبین یعنی به ثمر و سرانجام رساندن است. این آیات در تنـاظر بـا آیـات 26 تـا 32 کـه ابتـدا سرانجام رجل یسعی را توصیف کرده و سپس به سرانجام انذار ناپدیران قوم می‌پردازد، ابتـدا بـه توصیف سرانجام خوبان در قیامت پرداخته و بعد از آن متعرض سرانجام بدان می‌شود.

دومین مولفه مفهومی نیز در آیات دسته چهارم به وضوح قابل مشاهده اسـت. خداونـد برپایی قیامت و به سرانجام رساندن انسان‌ها را به گونه‌ای توصیف می‌کند که احاطه قـدرت بی انتهای او بر تمام این صحنه کاملا نمایان است و او با به کـار گـرفتن کـم‌تـرین اسـباب صحنه‌های قیامت را بر پا کرده و تحت کنترل و اداره شدید خود به پیش مـی‌بـرد. درسـت مانند نزول عذاب بر قوم رجل یسعی که نه با نزول لشکری از آسـمان بلکـه تنهـا بـا یـک صیحه انجام گرفت، خداوند صحنه عظیم نفـخ در صـور و خـروج انسـان‌هـا از گورهـا و حرکت به سمت پروردگار خویش را تنها به صیحه واحدی نسبت می‌دهد. صیحه‌ای که بعـد از آن انسان‌ها حتی استطاعت وصیت و یا رجوع به اهل خـود را نخواهنـد داشـت. (یـس، 49ـ50) اوج سیطره قدرت خداوند در توصیفی که از صحنه قیامـت در ایـن آیـات ارائـه شده، در آیه 65 سوره دیده می‌شود؛ «خداوند بر دهان‌های مجرمان مهر می‌نهد و دست‌هـا و پاهای ایشان را به نطق در می‌آورد تا علیه ایشان شهادت دهند.» آیات 66 و 67 سـوره نیز که حاکی از توان خداوند بر محو کردن نور دیدگان مجرمان و مسـخ ایشـان اسـت بـه گونه‌ای که نه توان یافتن راه و نه توان حرکت بر آن را داشته باشند، استیلاء قدرت خداونـد در صحنه‌های قیامتی را ترسیم می‌کند.

فراگیری و شمولیت که سومین مولفه مفهومی «احصا تمام چیزها در امام مبین» است نیز

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

در این دسته از آیات به چشم می‌خورد. خداوند صحنه قیامت را یک صحنه عمومی معرفی می‌کند که در آن تمام انسان‌ها در پیشگاه او گرد می‌آیند؛ **هُمْ جَمیعٌ لَدَیْنا مُحْضَرُونَ**. (یس، 53) جدول شماره(5) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش چهارم سوره یس را نشان می‌دهد.

بر این اساس الگو به دست آمده از مطالعه پدیدارشناسانه سوره یس تا پایان بخش چهارم قابل توسعه یافتن است. بخش‌های دو تا چهار این سوره به ترتیب به تبیین مفهوم محوری مطرح شده در بخش اول آن یعنی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطه سیر بشریت، پدیده‌های طبیعی و قیامت می‌پردازند.

جدول شماره(5): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش چهارم سوره یس

مولفه‌های مفهومی	آیات
به ثمر و سرانجام رساندن	به سرانجام رساندن خوبان؛ إِنَّ أَصْحابَ الْجَنَّةِ الْیَوْمَ فی شُغُلٍ فاکِهُونَ(55) هُمْ وَ أَزْواجُهُمْ فی ظِلالٍ عَلَی الْأَرائِکِ مُتَّکِؤُنَ(56) لَهُمْ فیها فاکِهَةٌ وَ لَهُمْ ما یَدَّعُونَ(57) به سرانجام رساندن بدان؛ هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ(63) اصْلَوْها الْیَوْمَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ(64)
احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار	برپایی قیامت با یک صیحه؛ إِنْ کانَتْ إِلاَّ صَیْحَةً واحِدَةً فَإِذا هُمْ جَمیعٌ لَدَیْنا مُحْضَرُونَ(53) مهر نهادن بر دهان‌ها؛ الْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلی أَفْواهِهِمْ وَ تُکَلِّمُنا أَیْدیهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ(65)
شمولیت و فراگیری	گرد آمدن تمام انسان‌ها؛ فَإِذا هُمْ جَمیعٌ لَدَیْنا مُحْضَرُونَ(53)

در آخرین دسته آیات سوره یس، خداوند خطاب خود را فراتر از قوم رسول الله(ص)، متوجه تمام انسان‌ها می‌کند؛ **أَ وَ لَمْ یَرَ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ**. (یس، 77) این قسمت از سوره

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

به احیاء مجدد انسان‌ها توسط خداوند که حاکی از سیر به سرانجام رساندن ایشان است، می‌پردازد. (یس، 79) آخرین جمله از سوره نیز سرانجام تمام انسان‌ها را بازگشت به سوی خداوند معرفی می‌کند؛ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (یس، 83) خداوند با بیان مظاهر قدرت خود مانند آفرینش انسان از نطفه، پدید آوردنِ نخستینِ انسان، قرار دادن آتش در درختان سبز و در نهایت آفرینش آسمان‌ها و زمین خود را قادر بر خلق مجدد انسان، زندگی بخشیدن به استخوان‌های پوسیده او در مسیر حرکت دادن او به سمت سرانجام خود معرفی می‌کند. احاطه قدرت خداوند به حدی است که تمام کارها را به سهولت و با به کار گفتن کم‌ترین ابزار به مجرد اراده و به صرف گفتن «باش» انجام می‌دهد. (یس، 80_82) این قدرت خداوند در به سرانجام رساندن شمولیت و فراگیری داشته و ملکوت تمام چیزها به دست اوست؛ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ. (یس،83)

بنابراین سه مفهوم به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری، در این قسمت از سوره یس نیز به روشنی دیده می‌شود. خداوند در آخرین فراز از سوره، دامنه مخاطبان خود را از قوم عرب تا فراگرفتن تمام انسان‌ها گسترش داده و گستره مفهوم احصاء در امام مبین را نیز فراتر از سیر بشر، آیات الهی در دنیا و صحنه قیامت، حاکم بر تمام عالم معرفی می‌کند. به دلیل این گسترش حیطه مفاهیم در آخرین بخش سوره یس، می‌توان این بخش را به عنوان یک جمع‌بندی در نظر گرفت. در حقیقت کلی‌ترین و عالی‌ترین تبیین از مفهوم احصاء تمام چیزها در امام مبین در این قسمت از سوره قابل مطالعه است. جدول شماره(6) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش پنجم سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره(6): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در بخش پنجم سوره یس

مولفه‌های مفهومی	آیات
به ثمر و سرانجام رساندن	احیاء مجدد انسان‌ها بعد؛ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ(79)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

	بازگرداندن انسان‌ها به سوی خداوند؛ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ(83)
احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار	آفرینش انسان از نطفه؛ أَ وَ لَمْ يَرَ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَه(77) قرار دادن آتش در درختان سبز؛ الَّذی جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نارًا(80) آفرینش آسمان‌ها و زمین؛ أَ وَ لَيْسَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْض(81) انجام کار به صرف گفتن «باش»؛ إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ(82)
شمولیت و فراگیری	در دست داشتن ملکوت تمام چیزها؛ فَسُبْحانَ الَّذی بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ(83)

3ـ3ـ تصویر کلی سوره یس

خداوند در سوره یس، رسول الله(ص) را به همراه قرآن کریم برای انذار قومی ارسال می‌کند که پدرانشان پیش از این انذار نشده بودند.[1] اما اکثریت این قوم این انذار را نمی‌پذیرند و تنها گروه اندکی از قوم ایشان که دارای دو صفت تبعیت از ذکر و خشیت نهانی از خداوند رحمان هستند، مخاطبان اصلی این انذار خواهند بود. در این سوره، رسول الله(ص) مامور گشته‌اند تا قوم خود را به موضوع خاصی انذار دهند؛ «احصاء تمام چیزها در امام مبین». موضوع محوری سوره یس، احصاء تمام چیزها در امام مبین است. این

1. با توجه به ساختاری که در این نوشتار از سوره یس ارائه شد، یکی از معضلات این سوره یعنی مقوله عدم انذار پدران قوم رسول الله(ص) پاسخ درخوری می‌یابد. مفسران بحث‌های فراوانی درباره عدم انذار این قوم پیش از رسول الله(ص) مطرح کرده‌اند و کوشش‌هایی جهت برطرف کردن تعارض این موضوع و آیاتی که برای هر قوم رسول و منذر قائل می‌شوند، کرده‌اند. (طبرسی، 651/8؛ فخررازی، 253/26؛ مدرسی، 96/11) اما با توجه به این پژوهش، انذار مطرح در سوره یس انذاری خاص به یک موضوع خاص است و مراد از عدم انذار قوم پیش از رسول الله(ص)، عدم انذار به این موضوع است. این بیان با ظاهر آیات سوره یس و سایر آیات پیرامون انذار اقوام هم‌خوانی قابل قبولی دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

موضوع در بخش اول سوره توضیح نمی‌یابد. بلکه خداوند چهار بخش بعدی سوره یس را به تبیین این موضوع عظیم و پر اهمیت، اختصاص می‌دهد. هر کدام از این بخش‌ها در حیطه‌ای خاص به تبیین این موضوع می‌پردازند. ابتدا خداوند سرگذشت قومی را روایت می‌کند و در آن مفهوم «احصاء در امام مبین» را در سیر بشریت توضیح می‌دهد. بعد از آن با بیان آیات الهی در دنیا، مفهوم احصاء در امام مبین را در پدیده‌هایی طبیعی تبیین می‌کند. در قسمت بعد نیز با توصیف قیامت و سرانجام انسان‌های مومن و کافر در آن، به گونه‌ای دیگر ترسیمی از مفهوم احصاء تمام چیزها در امام مبین را در قیامت ارائه می‌کند. آخرین بخش سوره به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد. بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری. جدول شماره(7) موضوع محوری و موضوعات فرعی سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره(7): موضوع محوری و موضوعات فرعی سوره یس

موضوع محوری سوره؛ احصاء تمام چیزها در امام مبین		
بخش‌های سوره	**محدوده آیات**	**موضوع اصلی بخش**
بخش اول	12_1	انذار به «احصاء تمام چیزها در امام مبین»
بخش دوم	32_13	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در سیر بشریت
بخش سوم	47_33	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در پدیده‌های طبیعی
بخش چهارم	76_48	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در قیامت
بخش پنجم	83_77	مفهوم «احصاء کل شیء در امام مبین» در سراسر عالم

4ـ نتایج مقاله

براساس این پژوهش نتایج زیر دست یافتنی است؛

1) رویکرد پدیدارشناسانه با تعلیق پیش‌فرض‌ها می‌تواند در نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن کارآمد باشد. چرا که با زدودن پیرایه پیش‌فرض‌ها، عرصه‌ای را فراهم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

می‌آورد تا بنای مستحکم و ساختارمند سوره در برابر پژوهش‌گر قرآنی خود را بنمایاند.

2) کاربست این رویکرد روشن می‌سازد آیات سوره یس به پنج بخش قابل تقسیم است. هر بخش از آیات، یک موضوع محوری داشته و در حیطه مشخص و متفاوت با حیطه سایر بخش‌های سوره به موضوع خود پرداخته است.

3) این مواجهه پدیدارشناسانه معلوم می‌سازد که موضوعات این پنج بخش بی‌ارتباط با هم نبوده بلکه در یک نظام مشخص سامان یافته‌اند. به صورتی که از کل سوره یک پیکره واحد را به نمایش می‌گذارند که در آن تمام آیات سوره به گرد یک موضوع محوری چیدمان یافته و همه برای توضیح و تبیین ابعاد مختلف موضوع محوری سوره به استخدام در آمده‌اند.

4) موضوع محوری سوره یس، «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. در بخش اول رسول الله(ص) مامور گشته‌اند تا قوم خود را به این موضوع انذار دهند. خداوند این مفهوم را در بخش دوم سوره در قالب بیان سرگذشت یک قوم در سیر بشریت تبیین می‌کند و در بخش سوم سوره با بیان آیات الهی در دنیا به توصیف آن در پدیده‌هایی طبیعی می‌پردازد و در بخش چهارم ترسیمی از این مفهوم در قیامت ارائه می‌کند. آخرین قسمت سوره نیز به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد.

5) بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ 1)به ثمر و سرانجام رساندن، 2) احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و 3) شمولیت و فراگیری.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

کتابشناسی

1. قرآن کریم
2. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415ق.
3. اسمیت، دیوید، پدیدارشناسی(دانش‌نامه فلسفه استانفورد)، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس، 1393ش.
4. حسینی، علی‌اکبر، نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن؛ نگرش‌ها و چالش‌ها، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1394ش.
5. ربانی گلپایگانی، علی، پدیدار شناسی ادموند هوسرل و هرمنوتیک، کلام اسلامی، شماره 42، صص 22 تا 41، 1381ش.
6. ریخته‌گران، محمدرضا، مقالاتی در پدیدارشناسی، هنر و مدرنیته، تهران، نشر ساقی، 1389ش.
7. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، 1407 ق.
8. زهاوی، دن، پدیدارشناسی هوسرل، ترجمه مهدی صاحب‌کار و ایمان واقفی، تهران، روزبهان، 1392ش.
9. ساکالوفسکی، رابرت، درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمدرضا قربانی، گام نو، تهران، 1395ش.
10. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417ق.
11. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1372ش.
12. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، 1412ق.
13. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
14. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق.
15. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364ش.
16. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، 1419ق.
17. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
18. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، 1366ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.1.1]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]